

شعر / مجتبیای دگر فاطمه(س)

۱۰ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۲

شعر حاج محمود ژولیده در مدح امام حسن عسکری(علیه السلام) را در ادامه می خوانید.

از ازل آب و گلم گفت: که من کوثری ام

فاطمی دین و حسینی، حسنی، حیدری ام

همه ی دلخوشی ام ای گل زهرا (س) این است

که خوش اقبال از این مرحمت داوری ام

سر در قصر بهشتی دلم بنوشتند

که مسلمان مرام حسن عسگری ام

چه کسی مثل من دل شده دلبر دارد؟

چه کسی مثل تو ای دوست کند دلبری ام؟

من که مجنونم و آشفته، تورا می خوانم

سربازار غمت-یوسف من، مشتری ام

به همه نسل بنی فاطمه سوگند که من

تا صف حشر بگویم که علی اکبری ام

آری آری بخدا کف زدن اینجاست حلال

که حسن داده مرا وعده دیدار و وصال

آسمان مهر وتولای تو دارد آقا

عرش درسینه تمنای تو دارد آقا

حور و قلمان بهشت اند گدای نفست

باغ رضوان سر سودای تو دارد آقا

از شعاع افق چشم تو بالاتر چیست؟

ماه سودای قدم های تو دارد آقا

هل اتا آید و آقایی تو می خواند

جبرئیل آیت غرای تو دارد آقا

عرصه محشر و آغاز شفاعت از توست

عالمی حسرت فردای تو دارد آقا

گوشه صحن و سرایت، حرم آل عباس

خاک سرداب گل پای تو دارد آقا

زیر پایت نظر افکن که تماشا دارد

دل آواره به خاک قدمت جا دارد

وای اگر جلوه کنی!، جلوه نکرده این است

هرچه خون است به پای علمت می ریزد

بی تو خورشید خریدار ندارد یعنی،

هرچه نور است ز عرش حرمت می ریزد

عمر نوح ای همه روح - تو را لازم نیست

کشتی نوح از این عمر کمت می ریزد

از دل خسته خداوند نگیرد غم تو

که سرور از دل دریای غمت می ریزد

دست خالی نرود هیچکس از درگه تو
از تهیدستی سائل درمت می ریزد

تو ابالمهدی(عج) زهرایی(س) ودوم حسنی(ع)
مجتبای دگر فاطمه(س)، آقای منی

تا که من چون حسن عسگری (ع) آقا دارم
ز عیار گل دلبر دل زیبا دارم

زندگی زیر لوایش چه صفایی دارد!
روزگار خوشی از این قد و بالا دارم

با محبت تر از این جمله ندارم در دل
که به بالای سرم مثل تو بابا دارم

به وجود تو امام حسن عسگری(ع) است
که به کنعان دلم یوسف زهرا (س) دارم

ای بنامم به مقامت که امانت داری
من امان نامه ز امضای تولا دارم

حاجت روی جگر گوشه تو ما را کشت
ای بسا دست تو سل به تو مولا دارم

مادرت منتظر آمدن مهدی (عج) توست
صبح میلاد تو هنگامه هم عهدی توست

سامرا خاک گل ماست خدا می داند
خاک من از گل مولاست خدا می داند

نظر از سامره بردار دلم را بنگر
حرم عسگری اینجاست خدا می داند

نه من از کوی تو دورم به همین منزل چند
بعد منزل نه به اینهاست خدا می داند

حج تویی کعبه تویی در دل من خانه توست
طوف کوی تو مهیاست خدا می داند

حرم و گنبد و گلدسته تو در عرش است
عرش زوار دل ماست خدا می داند

طلب و دعوت و همت همگی نزد شماست
ورنه دل قافله پیماست خدا می داند

بین ما نیست کمی فاصله یابن الیهادی(ع)
جز من و گرد همین قافله یابن الیهادی(ع)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۴۲۰/س-فاطمه-دگر-مجتبای-شعر/>